

# کدام شاهنامه

متن سخنرانی دکتر سجاد آیدنلو

در همایش بزرگداشت فردوسی، اردیبهشت ۱۳۹۴

مقالات

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد

که دوستان استحضار دارند ویرایش دوم آن در بهمن ماه ۱۳۹۳ در ۲ جلد از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. در این ویرایش جدید که احتمالاً بیشتر دوستان هم ملاحظه فرمودند غیر از ویژگی‌ها و روش‌های به کار بسته شده در تصحیح پیشین چند ویژگی و نکته دیگر هم هست. من یکی دو نکته را عرض می‌کنم تا به قسمت اصلی عرایضم برسم. از جمله اینکه در ویرایش جدید تعداد نسخه‌های مورد استفاده دکتر خالقی مطلق که بیشتر ۱۶ نسخه بود به ۲۱ دستنویس افزایش پیدا کرد، از جمله استفاده از نسخه نویافته، کهن و معتبر دانشگاه سن ژوزف بیروت. نکته دیگری که در چاپ دوم و جدید می‌بینیم که هم بسیار مهم هست و هم در عین حال بحث‌برانگیز، مخصوصاً انتظار هست که صاحب‌نظران زبان‌شناسی درباره آن اظهار نظر کنند. حرکت‌گذاری بسیار گسترده کلمات - مصراع‌ها و ابیات **شاهنامه** بنا بر تلفظ زبان و زمان فردوسی است، آن‌گونه که آقای دکتر خالقی مطلق براساس قراین مختلف تشخیص دادند که هم دشوار هست این کار و هم محل به اصطلاح لغزش محتمل علمی که باید درباره آن بحث بشود. در ویرایش جدید تصحیحات قیاسی درخشانی هم ملاحظه می‌شود و به جرأت می‌توان گفت که **شاهنامه** آقای دکتر خالقی مطلق یکی از نامبردارترین و نمایان‌ترین متون ادب فارسی به لحاظ اعمال تصحیحات قیاسی است، اما عرض اصلی بنده و قسمت عمده صحبت بنده پیرو فرمایش دوست عزیزم جناب استاد جهانبخش است که به خدمات اصفهان و اصفهانیان در حوزه شاهنامه‌شناسی از دیرباز تا به امروز اشاره فرمودند؛ بنده باید عرض کنم که بدون هیچ مبالغه‌ای یکی از ماندگارترین خدمات شهر و استان اصفهان در حوزه شاهنامه‌شناسی انتشار نخستین تصحیح کامل حماسه ملی ایران در این شهر است و همچنان که می‌دانیم این مهم با زحمات ۱۲ ساله و شبانه‌روزی جناب استاد مهندس مصطفی جیحونی در فاصله سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹ صورت گرفته و از طرف انتشارات شاهنامه‌پژوهی

از پا درآمدیم و شاهنامه به دستیم همچنان در بزم گرم اهل شاهنامه نشستیم همچنان برای بنده مایه خوشوقتی و سعادت بسیار هست که توفیق دوباره‌ای نصیب شد تا در مجلس بزرگداشت روز فردوسی که به همت گرامیان فرهنگ پرور و ادب‌گستر، برادران محترم احمدی و دیگر دوستان برگزار می‌شود، در شهر هنرخیز و ادب‌پرور اصفهان در خدمت فرهیختگان ارجمند اصفهانی و دیگر دوستان باشم. موضوع سخن بنده عنوان یا جمله‌ای است پرسشی با نام کدام **شاهنامه** را بخوانیم؟ خطاب من عمدتاً دانشجویان و علاقه‌مندان عمومی شاهنامه هست. چون استادان و فضلاء صاحب‌نظر واقف به عرایض و مطالب بنده هستند. یک اصل بسیار مهم روش‌شناختی در پژوهش‌های ادبی که متأسفانه در کارهای دانشجویی و حتی مقالات و کارهای به اصطلاح اعضای هیأت علمی دانشگاهها مغفول واقع می‌شود، ضرورت و اهمیت استفاده از بهترین و منقح‌ترین چاپ‌های هر متن ادبی اعم از نظم یا نثر است. طبعاً و به طریق اولی این مسأله در مورد **شاهنامه** فردوسی هم قابل طرح و بررسی است که ما باید از کدام تصحیح و چاپ **شاهنامه** در مطالعات و پژوهش‌های خودمان استفاده کنیم؟ مستحضرید که بیش از ۱۰۰۰ دستنویس در کتابخانه‌های شخصی و عمومی از حماسه ملی ایران موجود هست که از زمان لامسدن انگلیسی که نخستین چاپ حروفی **شاهنامه** را منتشر کرد تا امروز براساس این نسخه‌ها تصحیحات و چاپ‌های مختلفی از **شاهنامه** عرضه شده است. از بین مجموع این تصحیحات و چاپ‌ها اگر بخواهیم دو مورد را به اقتضای وقتمان در این جلسه مطرح کنیم، نخستین تصحیح پرزحمت و روشمند و علمی جناب آقای دکتر جلال خالقی مطلق و دو همکار ایشان آقایان دکتر امید سالار و دکتر خطیبی هست

# شاهنامه را بخوانیم؟

منتشر شده است. اینکه عرض کردم نخستین تصحیح کامل شاهنامه در ایران به این دلیل هست که در زمان انتشار این اثر یعنی سال ۱۳۷۹ هنوز کار پرزحمت آقای دکتر خالقی مطلق به صورت کامل منتشر نشده بود. این یک و دوم اینکه تا این تاریخ هیچ کدام از تصحیح‌های شاهنامه که در داخل کشور و به دست مصححان و محققان ایرانی صورت گرفته و منتشر شده بود، تصحیح در معنای فنی و اصطلاحی این واژه نبود. البته منظور متون کامل هست نه داستان‌هایی که بنیاد شاهنامه منتشر کرد.

این اثر چه ویژگی‌هایی دارد؟ خود آقای مهندس جیحونی در مقدمه کتابشان که از سرادب و تواضع کتاب صفر نامیده‌اند اشاره کرده‌اند و بنده به آن وارد نمی‌شوم. عرض اصلی بنده که البته پیشتر در قالب مقاله کوتاهی هم در مجله جهان کتاب منتشر شده و احتمال دارد که عموم علاقه‌مندان و دوستداران شاهنامه آن را ندیده باشند و در اینجا دوباره تکرار می‌کنم، این است که متأسفانه و هزاران بار افسوس که از زمان انتشار این تصحیح یعنی سال ۷۹ تا به امروز جامعه علمی - ادبی ما و محافل شاهنامه‌خوانی و شاهنامه‌پژوهی ما چنانکه باید و سزاوار این اثر هست به این تصحیح توجه نشان نداده‌اند. به این معنی که یا نقدها و معرفی‌های لازم به صورت مکتوب درباره آن در نشریات مختلف داخل کشور به چاپ نرسیده و یا در مقالات و بخش‌هایی از کتاب‌هایی که به تصحیح شاهنامه در ایران پرداخته‌اند، متأسفانه به دلایلی که بخشی بر بنده معلوم هست و بخشی نه، این چاپ با روش یا سیاست خاموشی احتمالاً به نیت فراموشی روبه‌رو شده که این بسیار اسفناک است. اما در محافل شاهنامه‌خوانی یا گفت‌وگوهایی که در مجالس علمی - ادبی و شاهنامه‌پژوهی یا بین محققان و شاهنامه‌شناسان متأسفانه به صورت شفاهی برگزار می‌شود و برقرار هست دو نکته درباره این چاپ مطرح می‌شود که به صورت مکتوب نوشته نشده است. من آن دو نکته را عرض می‌کنم و در واقع به آنها پاسخ خواهم داد. نکته اول یا به تعبیر





که بسیاری از متون عرفانی با تصحیح عالمانه - انتقادی و درخشان ایشان منتشر شده و احدالناسی هم نتوانسته و نمی‌تواند در ارزش و اهمیت این متون تردید بکند. آیا می‌توانیم بگوییم که چون آقای دکتر پورجوادی تحصیلاتشان فلسفه است چرا متون ادبی و عرفانی تصحیح کردند؟

از گذشته مثال بزیم. دیوان امیر معزی را شادروان استاد عباس اقبال آشتیانی تصحیح کرده‌اند که تحصیلات ایشان در حوزه تاریخ است. بهترین تصحیح مقالات شمس و مثنوی معنوی که در دست اقدام است، از استاد محمدعلی موحد است که تحصیلات و تخصص ایشان در حوزه حقوق است. شادروان استاد ایرج افشار لیسانس یا به تعبیر امروزی کارشناس حقوق بودند. آیا کسی را در سطح دنیا می‌توان نشان داد که نسخه‌شناس تر و متن‌پژوه‌تر از آن استاد نامور بوده باشد؟ آیا می‌توانیم بگوییم که لیسانس حقوق چرا باید متن ادبی یا تاریخی را تصحیح کند؟ حتی من در برخی سرگذشت‌نامه‌ها دیدم که ژول مول مصحح معروف **شاهنامه** که ۴۰ سال از عمر خود را سر تصحیح **شاهنامه** گذاشت، دکترای فلسفه داشت و مثال‌های دیگری که از این دست می‌توان مطرح کرد. متأسفانه این دو استدلال یکی نسبتاً علمی و دومی که عرض شد کاملاً واهی به همراه برخی رشک‌ورزی‌ها و تنگ‌نظری‌ها که خواه ناخواه در محافل علمی ما هست، دست به دست هم داد تا این چاپ چنانکه باید مورد توجه قرار نگیرد. در حالی که بنده که این تصحیح را بیت به بیت و کلمه به کلمه با چاپ‌ها و تصحیح‌های دیگر **شاهنامه** به مناسبت نقدها و مقالات مختلفی که نوشتم، به صورت مقابله‌ای و مقایسه‌ای بررسی کردم. موارد متعددی از تصحیح‌های درخشان و هوشیارانه در تصحیح‌های مهندس جیحونی هست که کاملاً درست است، به لحاظ علمی و نخستین بار هم در تاریخ تصحیح **شاهنامه** در این چاپ مطرح شده و دیگر مصححان و محققان **شاهنامه** در ویرایش‌ها یا تصحیح‌های بعدی خودشان همان ضبط را دوباره به متن برده‌اند. پس چگونه است که ما این مسائل را مطرح نمی‌کنیم و صرفاً می‌گوییم چون آقای مهندس جیحونی رشته‌شان ادبیات فارسی نیست و کارشان نسخه بدل ندارد چاپ ایشان را نباید دید و نباید خواند؟ یکی دو نمونه از دهها مورد را به استحضار می‌رسانم تا عرابضم مستندتر باشد. بیتی هست در **شاهنامه** به این صورت در تصحیح ایشان:

چهل رزمه دیبای پیکر به زر  
طرارش همه گونه‌گونه گهر

دقیق‌تر ایراد نخستین که بعضی افراد به صورت شفاهی در گفت‌وگوها بر این کتاب می‌گیرند، این هست که تصحیح آقای جیحونی نسخه بدل ندارد. از نظر اصول تصحیح متون ادبی هیچ تردیدی نیست که باید و روشمندان این است که نسخه بدل‌ها در پای متن در زیرنویس‌های صفحات متن منظم یا منثور داده شود و اینکه این چاپ نسخه بدل ندارد، به لحاظ روش انتقادی تصحیح متون درخور نقد هست، اما در عین این انتقاد پرسش این است که آیا می‌توان به صرف این مسأله و بدون بررسی ضابط‌های تک به تک واژه‌ها و مصراع‌ها و ابیات شاهنامه به اصطلاح متداول عامیانه صورت مسأله را پاک کرد و بدون بررسی گفت که **شاهنامه** آقای جیحونی فاقد اعتبار است؟

پاسخ قطعاً و بی‌هیچ گمانی منفی است. به دلیل اینکه اگر تاریخچه تصحیح متون را بررسی بفرمایید، متن‌های دیگری را هم داریم به نظم یا به نثر که یا نسخه بدل ندارند یا نسخه بدل‌ها یعنی اختلاف دستنویس‌ها بسیار اندک داده شده است، اما در طول تاریخ مطالعات و تحقیقات ایرانی کسی در اهمیت و اصالت ضابط‌های آن متن مصحح تردید نکرده و استفاده هم کرده‌اند. از نمونه‌های شاخص و مهم که می‌توان در این باب مثال زد منظومه‌های عطار به تصحیح استاد دکتر شفیعی‌کدکنی است که یا نسخه بدل ندارد و یا بسیار اندک است و در عین نقدهایی که البته اهل فن و فضل بر ضابط‌های ایشان خواهند داشت، کسی منکر صورت اصلی مسأله و خدای ناکرده طرح این مسأله نیست که آثار مصحح آقای دکتر شفیعی‌کدکنی بدون اعتبار است.

پس این نکته نخست، اما ایراد دوم که بنده بارها و بارها شنیده‌ام و تا حدی مضحک است، اینکه بعضی از افراد مدعی هستند که چون تحصیلات آقای جیحونی مهندسی است و ایشان در زمینه راه و ساختمان و عمران تخصص دارند و مدرک گرفته‌اند، نمی‌توانند و نباید شاهنامه تصحیح بکنند و مهندس را چه به تصحیح شاهنامه! این تعبیر را چون شنیدم عرض می‌کنم. دوباره برای رد این دلیل که عرض کردم مضحک هم هست شما تاریخچه متون مصحح فارسی را بررسی بفرمایید و ببینید که شماری از بهترین متن‌شناسان و مصححان متون ادبی، تحصیلاتشان آکادمیک یعنی دانشگاهی در حوزه ادبیات فارسی نیست. من چند مثال را خدمتتان عرض خواهم کرد. نمونه‌ای و حاضر و زنده که در این جلسه در خدمتشان هستیم، استاد دکتر پورجوادی هستند؛ دارای دکترای فلسفه



پیشین خودشان را بازنگری کرده‌اند. امید است که اگر احتمالاً امکان باز چاپ کامل این متن با اعمال نظریات جدید ایشان به دلیل مسائلی که می‌دانید در اوضاع نشر حاکم است فراهم نشود، دست‌کم آقای مهندس با اهتمام دوستانی که اینجا هستند با کمک آنها ذیلی را حداقل و مستدرکی را به‌عنوان نویافته‌ها و بازنگریسته‌های ایشان بر چاپ قبلی خودشان منتشر بکنند. تا دوستان و محققان و علاقه‌مندانی که آن چاپ را در اختیار دارند، آن ذیل را تهیه کنند و این موارد را در متن خودشان اعمال کنند. این هست که اگر بخواهم در پایان عرایضم به آن جمله و پرسشی که به‌عنوان نام سخنرانی عرض شد، یعنی «کدام شاهنامه را بخوانیم؟» پاسخی بدهم، باید گفت متن مصحح آقای دکتر خالقی مطلق که ویرایش دو جلدی، آخرین نظر ایشان است، در کنار شاهنامه استاد مهندس جیحونی و ویرایش نهایی شاهنامه چاپ مسکو که اخیراً انتشارات سروش منتشر کرده سه متن برجسته و منقحی هستند که علاقه‌مندان و خوانندگان و محققان شاهنامه صرفاً باید از آنها استفاده کنند. الان اگر در محافل شاهنامه‌خوانی و یا در مقاله و پایان‌نامه‌ای و کتابی به شاهنامه چاپ مسکو و ژول مول ارجاع داده شود، بسیار بسیار از اهمیت و اعتبار علمی آن کار کاسته خواهد شد. در پایان در این اوضاع وانفاسی دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی و پژوهش‌های ادبی که متأسفانه بیشتر به اصطلاح آقایان یا خانم‌های اعضای هیأت علمی که از هول حلیم در دیگ افتاده و خود را هم استاد می‌نامند و از اهمیت و اعتبار و تفاوت متون منقح و نامنقح هم آگاهی ندارند، در خطاب به بزرگان و محققانی مثل استاد جیحونی که بدون تحصیلات دانشگاهی ادبی و خارج از دانشگاه یا استاد جهانبخش بدون اینکه کاغذ پاره‌ای به دست داشته باشند، این همه زحمت می‌کشند و تحقیقات درخشانی را عرضه می‌کنند و معدود استادانی مانند استاد دکتر پورجوادی، آقای دکتر نوریان، استاد سروشیا یا دکتر امید سالار که هنوز چراغ دانشکده‌های ادبیات با حضور آنها روشن و منور هست، یک رباعی معاصر را که نام شاعرش هم متأسفانه در ذهن نیست عرض خواهم کرد.

لیخند بزن دو چشم بارانی را

تجویز بکن نگاه‌درمانی را

یک شعله بخند تا به آتش بکشی

دانشکده علوم انسانی را

کلمه رزمه که در این بیت ایشان به درستی به متن برده‌اند به معنای بقچه لباس است و در سروده‌های شعرای همعصر فردوسی یا کمی بعد یا قبل به‌کار رفته و در نسخه‌های شاهنامه این کلمه به تخته و جامه ساده شده و تغییر یافته است. تا پیش از چاپ آقای جیحونی به همه چاپ‌های شاهنامه مراجعه بفرمایید؛ یا تخته را به متن برده‌اند یا جامه را. ایشان با دقت رزمه را به متن برده‌اند و دیگر مصححان و محققان هم همین را پذیرفته‌اند یا بیت دیگری در اواخر شاهنامه هست که:

بینم که رومی سواران که‌اند

سپاسی سپاهند یا خود چه‌اند

سپاسی سپاه یا سپاهیان سپاسی اصطلاحاً به گروهی گفته می‌شد که از سر دوستی یا منت‌گذاری بر سر کسی که به جنگ می‌رفته او را یاری می‌دادند، اصطلاحاً لشکری رسمی و مزدبگیر نبودند. این کلمه سپاسی در چاپ‌ها و نسخه‌های شاهنامه دچار تغییر و تصحیح شده که اولین بار جناب مهندس جیحونی متوجه این مطلب شدند و به درستی کلمه را به متن بردند. اهمیت این چاپ صرفاً در انتخاب ضبطها نیست. به لحاظ حرکت‌گذاری کلمات شاهنامه برای درست‌خوانی و درست‌خوانی ابیات و مصراع‌ها با استفاده از علایم نگارشی و سجاوندی هم نمونه‌های درخشان و نوآورانه در این چاپ می‌بینیم. برای نمونه در مقدمه داستان سیاوش بیتی هست که ابتدا قرائتی را که تا پیش از این چاپ، دیگران از این بیت داشتند و هنوز هم ممکن است برخی این نوع خوانش را داشته باشند عرض می‌کنم.

کسی را که اندیشه ناخوش بود

بدان ناخوشی رای او کش بود

این‌گونه خوانده‌اند:

کسی را که اندیشه ناخوش بود

بدان ناخوشی رای، او کش بود

یعنی در عین آن اندیشه ناخوش یا به قول امروزی‌ها ناخوش او مغرور نیز باشد. این قرائت در برابر قرائت معروف‌تر و رایج دیگر به نظر حداقل خود بنده برتر و موجه‌تر است. بنده در این جمع که آقای مهندس جیحونی، جناب آقای جهانبخش و دیگر محققان هم تشریف حضور دارند و شهر هم شهر اصفهان هست، پیشنهادی خدمت ایشان عرض می‌کنم و آن اینکه قطعاً ایشان از سال ۷۹ تا امروز نویافته‌های دیگری دارند و بارها و بارها متن تصحیح شده